

رمان نویسی در وقت اضافه

(جلد اول)

محسن سلیمانی



۱۳۹۷

فهرست مطالب

مقدمه سیزده

نمای دور ۱

بخش اول: پیش از نگارش

فصل اول: چرا رمان می‌نویسیم؟ ۱۷

نه به خاطر لقمه‌ای نان! ۲۱

چگونه مشهور نشدم! ۲۲

فقط عاشق‌ها وارد شوند ۲۳

از رمان‌نویسی تا دومیدانی ۲۷

رمان‌نویسی برای درمان یا برای دل خود ۲۷

فصل دوم: آیا بعضی‌ها رمان‌نویس به دنیا می‌آیند؟ ۳۰

استعداد و ذوق امری ذهنی است ۳۰

آیا داستان‌نویسی آموختنی است؟ چگونه؟ ۳۴

چرا به کلاس‌ها و کتاب‌های آموزشی نیاز داریم؟ ۳۶

- چرا برخی با کلاس‌ها و کتاب‌های آموزش داستان‌نویسی مخالف‌اند؟ ۳۸
- امان از خاطره بد! ۳۹
- تضاد علم و هنر! ۴۱
- همه چینی‌ها برادرند ۴۲
- نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت ۴۳
- دانشگاه هنوز قهرمانانه در برابر داستان‌نویسی مقاومت می‌کند! ۴۴
- عطا و لقای کتاب‌ها و کلاس‌های آموزشی ۴۷
- باید به این النقاط پایان داد! ۴۹
- فرمول جادویی داستان‌نویسی ۵۱
- فصل سوم: رمان‌نویس چگونه آدمی است؟** ۵۳
- آیا رمان‌نویس باید شغل خاصی داشته باشد؟ ۵۳
- ادبیات رمان‌نویس باید قوی‌تر باشد یا داستان‌گویی‌اش؟ ۵۶
- همه ما داستان‌گو هستیم ۶۱
- ایمان بیاوریم به خود! ۶۲
- رمان‌نویسی اراده‌ای قوی و پوستی کلفت می‌خواهد ۶۳
- سخت‌کوشی: ابزاری مهم ۶۶
- رمان‌نویس آدمی است جسور و نترس ۶۸
- رمان‌نویس آدمی است حساس و فضول ۷۱
- رمان‌نویس رمان‌خوان حرفه‌ای است ۷۲
- رمان‌نویس دوره سیاه‌مشق‌نویسی را پشت سر گذاشته است ۷۳
- رمان‌نویس نمی‌خواهد بهترین اثر عالم را بنویسد! ۷۶
- رمان‌نویس هر روز می‌نویسد ۷۸
- آیا رمان‌نویسی کاری فردی است؟ ۷۸

۸۶	فصل چهارم: مدیریت زمان و نظم آهنین
۸۶	قطره قطره جمع گردد...
۸۷	مدیریت وقت‌های خودتان
۸۸	تجزیه و تحلیل وضع و وقت خودتان
۸۹	چه مواقعی بنویسیم؟
۹۰	اما شغل من طوری است که نمی‌توانم بنویسم
۹۱	رقیبی سرسخت برای رمان‌نویسی شما: مشاغل نویسندگی
۹۲	چقدر برده‌ی عادت‌هایتان هستید؟
۹۳	داشتن برنامه‌ی زمان‌بندی‌شده‌ی خاص خود و زمان‌هایی برای جبران
۹۶	قواعد بازی
۹۶	عوامل بازدارنده و مدیریت آن‌ها
۹۸	کنترل از راه دور؛ همه‌ی نمایشگرهای خود را از جلوی چشمتان دور کنید
۹۸	چیزهایی که می‌تواند در رعایت نظم در نوشتن به شما کمک کند
۱۰۵	فصل پنجم: ابزارهای نگارش
۱۰۵	ابزارهای دم‌دست
۱۰۹	دفتر یادداشت
۱۱۱	شارژ باتری خلاقیت شما
۱۱۵	نگارش رمان

بخش دوم: هنگام نگارش

۱۱۹	فصل ششم: تحقیق و خشک طبعی
۱۱۹	تحقیق
۱۲۴	شما رمان‌نویس هستید نه پژوهشگر
۱۲۶	چه موقع و درباره‌ی چه چیز باید تحقیق کرد؟

- ۱۳۰ چگونه و در کجا تحقیق کنیم؟
- ۱۳۴ کندی تحقیق نباید مانع رمان‌نویسی شود.
- ۱۳۷ ساماندهی اطلاعات هم به اندازه تحقیق مهم است.
- ۱۴۸ خشک‌طبعی
- ۱۳۹ مشکل شما دقیقاً چیست؟
- ۱۴۳ چه باید کرد؟

- ۱۴۹ فصل هفتم: این طرح که می‌گویی، یعنی چه؟
- ۱۴۹ طرح یعنی مواد لازم
- ۱۵۴ موتور طرح
- ۱۵۴ جادوی تعلیق: چه عواملی طرح رمان را پرکشش می‌کنند؟
- ۱۵۷ درگیری یا کشمکش
- ۱۶۰ معما
- ۱۶۰ بلا تکلیفی یا دوراهی
- ۱۶۲ بعد چه خواهد شد؟
- ۱۶۳ چرایی
- ۱۶۷ پیش‌آماده‌سازی
- ۱۷۳ دو نکته مهم درباره عوامل کشش در داستان
- ۱۷۵ مخفی کردن اطلاعات عامل کشش نیست!
- ۱۷۶ بازی با زمان در طرح؛ آیا در داستان، ساعت همیشه جلو می‌رود؟

- ۱۸۷ فصل هشتم: ساختار رمان: ارسطو و دیگران
- ۱۸۷ چند ساختار و یک رمان
- ۱۸۹ الگوی ساختاری ارسطو و فرایتاگ
- ۱۹۲ ساختار فرایتاگ

- به فرمان بابا ارسطو: کیک رمان خود را به سه قسمت تقسیم کنید ۱۹۴
- تقسیم سه بخشی طرح داستان کوتاه «اعمال زور»، طبق نظریه ارسطو .. ۱۹۹
- تقسیم پنج بخشی طرح داستان کوتاه «اعمال زور»، طبق نظریه فرایتاگ ۲۰۰
- تقسیم بندی سه بخشی طرح رمان کوتاه پیرمرد و دریا، طبق نظریه

- ارسطو ۲۰۱
- تقسیم بندی پنج بخشی طرح رمان کوتاه پیرمرد و دریا، طبق نظریه
- فرایتاگ ۲۰۱

- فصل نهم: تقسیم بندی رمان با اجزای یک طرح خوب ۲۰۵
- وقتی بابا ارسطو هم گیج می شود ۲۰۷
- ساختار نمایشی دراماتیکا ۲۰۹
- الگوی طراحی ساده تر مارشال ۲۲۱
- الگوی ساده تر اسکات بل ۲۳۲
- دو الگوی دیگر: قالب های ادبی و الگوهای طرح اصلی ۲۳۶

- فصل دهم: چگونه برای رمان خودمان، سوژه پیدا کنیم؟ ۲۳۹
- داستان یابی آن قدرها هم سخت نیست ۲۳۹

- فصل یازدهم: نوشتن سوژه تک خطی و ارزیابی اولیه آن ۲۸۷
- چرا باید سوژه رمانمان را بنویسیم؟ ۲۸۹
- ارزیابی دوازده سوژه تک خطی ۲۹۹

- فصل دوازدهم: طرح نهایی رمان خود را بنویسیم یا ننویسیم؟ ۳۱۸
- طراحی، عدم طراحی و راه وسط ۳۱۸
- بازپروری سوژه و سه رویکرد: مخالفان و موافقان طراحی سوژه ها ۳۲۰

۳۲۲	مخالفان پیش طرح نویسی و عیب و هنرشان
۳۲۸	موافقان پیش طرح نویسی و حرف هایشان
۳۳۲	بیخشید، سوء تفاهم شد!
۳۳۳	پیش طرح نویس ها به جان هم می افتند!
۳۳۴	وقتی هر دو گروه برای آشتی روی هم را می بوسند
۳۳۵	نسخه پیچی برای مخالفان پیش طرح نویسی
۳۳۷	نسخه پیچی برای موافقان پیش طرح نویسی

۳۵۶	فصل سیزدهم: الگوهای طرح: ابزاری کمکی برای بازپروری سوژه
۳۵۹	الگوی طرح جست و جو
۳۶۱	الگوی طرح انتقام
۳۶۴	الگوی طرح عشق
۳۶۷	الگوی طرح ماجراجویی
۳۶۹	الگوی طرح تعقیب
۳۷۱	الگوی طرح یکی علیه همه
۳۷۴	الگوی طرح آدم جدا یافته
۳۷۶	الگوی طرح قدرت
۳۷۷	الگوی طرح تمثيل
۳۷۹	الگوی طرح فرار
۳۸۰	الگوی طرح معما
۳۸۱	الگوی طرح نجات
۳۸۲	الگوی طرح رقابت
۳۸۳	الگوی طرح وسوسه
۳۸۶	الگوی طرح مسخ یا دگردیسی

الگوی طرح اوج و سقوط ۳۸۹

فصل چهاردهم: قالب‌های اصلی رمان: ابزار کمکی دیگر برای بازپوری

سوژه‌ها ۳۹۴

شما عاشق چه نوع رمان‌هایی هستید؟ ۳۹۶

توانایی و حوصله خودتان ۳۹۹

آیا باید به بازار نشر اهمیت داد؟ ۳۹۹

کشف علاقه مردم ۴۰۱

پدیده سفارشی‌نویسی ۴۰۲

آشنایی با قالب‌ها ۴۰۳

تقسیم‌بندی سه گانه رمان‌ها ۴۰۴

فصل پانزدهم: سه شکل اصلی رمان‌نویسی: رمان‌های ادبی و عمومی ... ۴۰۷

رمان‌های ادبی ۴۰۷

رمان‌های عمومی ۴۲۳

فصل شانزدهم: سه شکل اصلی رمان‌نویسی: رمان‌های قالب‌دار (۱) ۴۲۶

رمان‌های قالب‌دار ۴۲۶

رمان پلیسی: معمایی و جنایی ۴۲۷

رمان پر حادثه و پرماجر ۴۵۴

فصل هفدهم: رمان‌های قالب‌دار (۲) ۴۶۳

رمان ترسناک ۴۶۳

رمان عاشقانه ۴۷۱

فصل هجدهم: رمان‌های قالب‌دار (۳) ۴۹۱

۴۹۱ رمان علمی

۵۰۹ رمان طنزآمیز

۵۲۶ فصل نوزدهم: رمان‌های قالب‌دار (۴)

۵۲۶ رمان جنگی

۵۳۰ رمان تاریخی

مقدمه

به گمانم، نخستین بار در اواخر سال ۱۳۹۰ بود که در جلسه‌ای با آقای محمد حسنی، رئیس و فنان «بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان» (که بعدها به «بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان» تغییر نام داد)، درباره نگارش این کتاب صحبت کردم، اما دو سال و اندی گذشت تا این کتاب جانی و پروبالی گرفت. نوشتن کتابی درباره رمان‌نویسی همیشه جزو آرزوهای من بود، اما راستش سال‌ها طبعاً کتبی تا حس کنم بضاعت و صلاحیت لازم را برای نوشتن چنین کتابی دارم؛ ریرا قرارم این بود که فقط حرف‌های پژوهشگران گذشته را تکرار نکنم، در ابتدا، وقتی صحبت‌ها و قرارها جدی شد، تصورم این بود که نوشتن کتابی درباره رمان‌نویسی، با اینکه در ایران سابقه چندانی ندارد، کار چندان سختی نباشد. برای این تصور البته دلایلی داشتم: بیش از پنجاه رمان مهم دنیا را به طور کامل ترجمه یا ضمن ترجمه کوتاه کرده بودم؛ بیشتر از هر کس دیگری در ایران کتاب‌های پژوهشی درباره داستان‌نویسی ترجمه کرده

۱. ظاهراً تنها کتاب جدی در این زمینه را ناصر ایرانی نوشته است (هنر رمان، تهران: آبانگاه، ۱۳۸۰)، که بنا به نوشته خود او در مقدمه آن، ویراست جدیدی از کتاب قبلی او، داستان: تعاریف، ابزار و عناصر، است.

یا نوشته بودم؛ رشته تحصیلی‌ام در همین زمینه بود؛ و سی سال به طور مداوم درباره داستان‌نویسی تدریس و تحقیق کرده بودم. با وجود این، موقع طراحی کتاب و مطالعات جدی، ناگزیر شدم که از نو با خیلی از مفاهیم آشنا شوم و راهی پر از دست‌انداز و تردید را طی کنم؛ گویی همه آن راهی که تاکنون رفته بودم در میان مهی غلیظ بود و من باید با چراغی پرنورتر، مه‌ها را کنار می‌زدم. مثلاً ما در کلاس‌ها فراوان از طرح سخن می‌گویم، اما اگر شما بخواهید طرح و ساختار بندی رمان را به گونه‌ای روشن به کسی بیاموزید، ناگزیرید دوباره بیاموزید که طرح چیست و نیز باید تمام نکات جزئی درباره طرح‌بندی و مسائل پیچیده آن را یاد بگیرید. همچنین وقتی به آموزش شخصیت‌پردازی می‌رسید، باید به درستی و با مثال‌های روشن برای هنرجویان توضیح بدهید که چگونه می‌شود شخصیتی خلق کرد که شبیه شخصیت‌های ساده یا کلیشه‌ای نباشد. برای همین، نه تنها ناگزیر شدم هر بار هم‌زمان برخی از مباحث را در کتاب‌های مختلف به روش مقایسه‌ای دنبال کنم، بلکه گاهی برای فهم دقیق‌تر اصطلاحات، ناگزیر بودم همه دانش‌نامه‌های اینترنتی و کاغذی را جست‌وجو و بارها مطالعه کنم.

متأسفانه کتاب‌های فارسی موجود در این زمینه نمی‌توانستند به من کمک زیادی بکنند؛ چون ما در کتاب‌های فارسی به زبان و اصطلاحات مشترکی نیاز داریم، که عملاً وجود ندارد. کتاب‌های آموزش داستان‌نویسی به زبان فارسی، ضمن اینکه التقاطی از نقد داستان و آموزش داستان‌اند (در این مورد در کتاب توضیح داده‌ام)، اصطلاحات را به درستی تبیین نمی‌کنند، چنان‌که گاه هنرجویان و به‌ویژه داستان‌نویسان نمی‌توانند تفاوت‌های برخی از اصطلاحات یا مفهوم واقعی آن‌ها را درک کنند؛ مثلاً تفاوت طرح و ساختار رمان چیست؟ یا مواد تشکیل‌دهنده یک صحنه چیست؟ یا روایت در صحنه دقیقاً شامل چه چیزهایی می‌شود؟ غیر از این، در بیست سال اخیر، بسیاری از واژگان و مباحث نو در داستان‌نویسی به کتاب‌های جدید

در زبان انگلیسی راه یافته است که نشانی و ردی از هیچ‌یک از آن‌ها در کتاب‌های موجود به زبان فارسی وجود ندارد. مثلاً در کمتر کتابی بحث ساختاربندی، الگوهای طرح، یا الگوهای شخصیت در رمان را می‌توان یافت؛ ساختارها و الگوهایی که به هنرجوها کمک کند، ضمن طراحی ساختار و تقویت شخصیت‌های رمانشان، به شیوه‌ای ملموس و با مثال‌هایی روشن، هر بار بدانند که برای حل مشکلات بنیادی رمان‌هایشان چه باید بکنند.

مشکل بعدی، کار تطبیقی است؛ منظورم پیدا کردن مثال‌های روشن و تطبیق آن‌ها با مباحث نو در داستان‌نویسی است، که کاری بسیار وقت‌گیر و طاقت‌فرساست. برای یافتن مثال و کار تطبیقی، گاه باید هم‌زمان ده‌ها کتاب و رمان را مرور کرد، بحث‌ها را برای چندمین بار خواند، اصطلاح‌ها را بارها کنار هم گذاشت، طرحی کلی از تصویر بزرگ کتاب در کنار هم رسم کرد، و بعد به شکلی هنرجو پسند ارائه داد. این‌ها همه نیاز داشت که من هم حوصله به خرج دهم و هم به قدر کافی برای هر بحثی وقت بگذارم.

در طول نگارش کتاب، سعی کرده‌ام از هیچ حرفی و بحثی بدون مثال رد نشوم؛ مثال‌ها زودتر و روشن‌تر مفاهیم را منتقل می‌کنند. در ضمن، برای اینکه حجم کتاب زیاد نشود، کوشیده‌ام مثال‌ها را تا جای ممکن کوتاه کنم. با وجود این و به رغم بی‌میلی قلبی خودم، حجم کتاب کمی بیش از پیش‌بینی من شد. با این حال، خوشحالم که بحثی را نصفه‌نیمه نگذاشته‌ام و از کنار هیچ‌یک از عناصر رمان سرسری نگذشته‌ام. اگر هم در زمینه‌ای ضعف دانش داشته‌ام، سعی کرده‌ام با مطالعه بیشتر، این نقایص را، چه در تبیین مسائل و چه در ارائه مثال‌های روشن، رفع کنم.

از آنجا که قصد من فقط اضافه کردن یک کتاب دیگر به کتاب‌های قبلی نبود، گاه لازم می‌شد که قبل از آموختن چیزی به دیگران، خودم آن نکته را به خوبی فرا بگیرم. بنابراین، اعتراف می‌کنم که نوشتن این

کتاب برای خود من نیز کلاسی آموزشی بود، و در این کلاس چه بسیار نکات نویی که نیاموختم و چه تجربیات جدیدی که کسب نکردم؛ چیزهایی که گاهی فقط تصویری بزرگ یا، به قول سینمایی‌ها، نمایی دور از آن‌ها داشتم.

اما آیا من صلاحیت نوشتن چنین کتابی را داشتم؟ در اینجا می‌خواهم اعترافی از نوع «حرف‌های پشت‌صحنه» بکنم. اعتراف می‌کنم که من رمان‌نویسته‌ام، اما حدود بیست داستان کوتاه نوشته‌ام که بیشتر آن‌ها را هم منتشر کرده‌ام. البته یک بار، مثل رمان‌نویسان اولیه، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه به‌هم پیوسته را منتشر کردم به نام سالیان دور، که متأسفانه تداوم نداشت. قبلاً هم گفتم که من نه تنها همیشه در ایران و جهان بحث‌های مربوط به داستان‌نویسی را به طور جدی دنبال کرده‌ام، بلکه بیش از پنجاه رمان را کوتاه و ترجمه یا به طور کامل ترجمه کرده‌ام. بنابراین، شاید این دوره آموزشی سخت برای من در حکم کلاسی جذاب بود تا با فوت و فن رمان‌نویسی به طور عملی آشنا شوم. وقتی شما رمانی می‌خوانید، لذت می‌برید؛ وقتی هم که رمانی ترجمه می‌کنید، شاید لذت ببرید، اما کوتاه کردن رمان‌های چاق کلاسیک، کاری است سخت و عذاب‌آور. در اینجا شما هم باید دانش لازم را برای این کار داشته باشید و هم کاری از نوع عرق‌ریزان روح و جسم انجام دهید؛ زیرا ناگزیرید تمام چربی اضافی یک رمان را ساعت‌ها، با دقت یک جراح، جدا کنید و در ضمن مواظب باشید رمان در زیر دست شما ننمیرد. کوتاه کردن یک رمان جذاب که نویسنده آن در زمان خودش، به دلیل پسند روزگار و کارکردهای رمان در آن زمان، گاه قلم‌انداز، هر چیز مربوط و نامربوطی را در آن آورده است، به مثل، همانند کار یک جراح است؛ جراح ماهر می‌داند که باید از کارکرد همه اعضای این بدن بزرگ - یعنی رمان - به خوبی آگاه و در ضمن خیلی مواظب چاقوی خود باشد! در واقع، دومین کلاس آشنایی عملی من با ریزه کاری‌های رمان - صرف نظر از سوابقم در این رشته که در ابتدای

مقدمه گفتم - همان کار پر زحمت کوتاه کردن رمان‌های جهان بود؛ رمان‌های قهرمانان عرصهٔ رمان‌نویسی: دیکنز، هوگو، تواین، تولستوی، داستایفسکی، و دیگران.

از طرف دیگر، کتاب حاضر شاید بیشتر نوعی کار انتقال تجربیات است تا نوشتن تجربیات شخصی خودم در زمینهٔ رمان‌نویسی؛ در این کتاب، جمع‌بندی نظریات رمان‌پژوهانی را به شما ارائه داده‌ام که خود همه رمان‌نویس هستند (← کتابنامهٔ انگلیسی). اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، من نظریات رمان‌نویس‌ها را با تجربیات سال‌های طولانی تدریس، پژوهش، و ترجمه در این رشته در آمیخته‌ام و با ساماندهی، بسته‌بندی، و زبان خودم و نیز با مثال‌هایی که پیدا یا گاه خلق کرده‌ام، تقدیم شما کرده‌ام. بنابراین، در صورت تمایل، می‌توانید با خیال راحت به نسخه‌های این کتاب برای نوشتن رمان عمل و رمان‌های خوشخوان و پرمعنا خلق کنید.

البته، از آنجا که رمان‌نویس‌ها امروز نمی‌توانند فقط به تجربیات نویسندگانِ همچون استراتی، جیمز فری، ریموند آبستفلد، تام مونتلسون، و هاوی چپمن بسنده کنند، از آثار کسانی نیز استفاده کرده‌ام که کارشان رمان‌نویسی نیست، ولی کتاب‌هایی کمکی برای رمان‌نویسان نوشته‌اند؛ کسانی چون خانم لیندا ادلستاین (روان‌پزشک، که کتاب راهنمای مهمی دربارهٔ روان‌شناسی شخصیت‌ها نوشته است)، رونالد تویاس (فیلم‌ساز، که در کتاب مهمش الگوهای طرح را به خوبی ارائه داده است)، ویکتوریا اشمیت (فیلم‌نامه‌نویس، که کتابی پایه‌ای دربارهٔ الگوهای شخصیت‌های داستانی نوشته است)، و ایوان مارشال (کارگزار نشر رمان، که در کتابش ویژگی‌های یک رمان خوب از دید یک ناشر را بیان کرده است).

اما چرا خود من رمان نوشته‌ام؟ این بحثی است شاید خارج از موضوع، که در یک سخنرانی درباره‌اش صحبت کرده‌ام. با این حال، مهم‌ترین آن دلایل به وظیفه‌ای برمی‌گردد که من سال‌ها پیش بر عهده

گرفتم. وقتی در سال ۱۳۶۰ در «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» بودم، به دلیل رشته تحصیلی‌ام و علاقه‌ام به فراگیری بحث‌ها و ترجمه متن‌های آموزشی (ترجمه کتاب در باب داستان را در سال ۱۳۶۱ منتشر کردم)، دوستان نویسنده وظیفه آموزش را به عهده من گذاشتند. سپس سال‌ها از آن روز و آن پابندی گذشت و تقریباً همه آن جمع نویسندگان نیز پراکنده شد، اما این وظیفه مرا رها نکرد. چنین کاری همچون رفتن از کوره‌راهی سخت همراه با چند تن دیگر بود. اما وقتی خیلی پیش رفتم، ناگهان به عقب برگشتم و از آنچه دیدم وحشت کردم. اکنون که به عقب می‌نگرم، درمی‌یابم که دیگر تقریباً هیچ کس در ایران نمانده است که به طور حرفه‌ای بحث‌های داستان‌نویسی در دنیا را دنبال کند، و من تنها مانده‌ام. البته گاهی برخی از سر تفنن چیزهایی را ترجمه می‌کنند، که من چون فرصت خواندن این متن‌ها را ندارم، نمی‌توانم در مورد خوشخوانی و رسایی آن‌ها قضاوتی بکنم. با این حال، با یک گل بهار نمی‌شود و کار مداوم و حرفه‌ای با تک کارهایی از سر تفنن فرق دارد. اگر کسی می‌خواهد کاری جدی کند، حتماً باید به قول فوتبالیست‌ها لباس بپوشد و وارد زمین شود، نه اینکه فقط پنج دقیقه به زمین بیاید و یک ضربه کاشته‌عالی هم بزند. این مثل را به این خاطر نیاوردم که بگویم من قهرمان هستم، بلکه می‌خواهم بگویم از آنجا که انتقال تجربیات داستان‌نویسی کاری سخت و کم‌اجر و مزد است، این روزها دیگر کسی حوصله کنکاش جدی در این زمینه را ندارد (حتی مترجمان حرفه‌ای هم به هزار و یک دلیل ترجیح می‌دهند رمان ترجمه کنند، نه بحث‌های عذاب‌آور درباره رمان). باری، از آنجا که توانایی این را نداشتم که ضمن این کار دشوار و وقت‌سوز، کار رمان‌نویسی را هم دنبال کنم، هرگز موفق نشدم رمانی بنویسم؛ اگرچه گمان می‌کنم در صورتی هم که می‌نوشتم، رمان‌نویسی متوسط می‌شدم، و من متأسفانه با متوسط بودن میانه‌ای ندارم.

اما چرا بحث درباره رمان‌نویسی را انتخاب کردم، نه داستان

کوتاه‌نویسی؟ اتفاقاً این سؤال بود که در جلسات ابتدایی دربارهٔ این کتاب، می‌کشیدم پاسخ را برای دوستانمان در بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان نیز توضیح دهم. به گمان من، رمان هویتی مستقل دارد و به همین دلیل، می‌توان آن را به شکل کتابی اسم‌ورسم‌دار منتشر کرد، ولی حیات داستان کوتاه وابسته به مطبوعات یا مجموعه‌ای از دیگر داستان‌های نویسنده است. مثلاً خود شما نام چند داستان کوتاه موفق به یادتان مانده است؟ به علاوه، نوشتن داستان کوتاه برای نویسندگان و ناشران فعالیت جدی اقتصادی نیست؛ شاید به همین دلیل ناشران در ایران چندان رغبتی به انتشار داستان کوتاه ندارند. ظاهراً داستان‌نویس‌ها هم تا زمانی منتشر نکنند، هیچ کس آن‌ها را در جایگاه داستان‌نویس، جدی نمی‌گیرد. البته مهم‌تر از همهٔ این دلایل، تأثیرگذارتر بودن رمان بر خوانندگان است. خوانندگان مدت طولانی‌تری با رمان زندگی می‌کنند (از دو هفته تا یک ماه)؛ به همین دلیل، از رمان بیشتر تأثیر می‌پذیرند و حتی گاهی ممکن است این تأثیر، زندگی و نوع دید آن‌ها را عوض کند و تا پایان عمر نیز همراه آن‌ها باشد.

کار من نه تنها از عیب و خطا بری نیست، بلکه خوشبختانه هنوز خود را دانش‌آموز این رشته می‌بینم. دوستان عزیز می‌گویند که می‌خواهند بر من منت بگذارند می‌توانند نظرهای گران‌بهایشان را با ارسال نامه از طریق نشانی الکترونیک^۱ من با من در میان بگذارند و مرا در رفع ایرادهای کتاب در چاپ‌های بعد و یادگیری نکاتی تازه یاری دهند.

به خوانندگان عزیز پیشنهاد می‌کنم که قبل از خواندن کتاب، حتماً «نمای دور» آن را یک بار مطالعه کنند. این کار زیاد وقت شما را نخواهد گرفت؛ در عوض، به شما کمک خواهد کرد تا همهٔ کتاب را در چند دقیقه ببینید و دقیقاً متوجه شوید که کتاب در چه زمینه‌هایی می‌تواند به شما کمک کند. چه بسا با این مرور سریع و با توجه به

مشکلات خاص‌تان در زمینه رمان‌نویسی، فوری متوجه شوید که اول از همه باید سراغ چه فصل‌هایی از این کتاب بروید. ادعا نمی‌کنم که این کتاب به نویسندگان کهنه کار نیز چیزهایی بیاموزد، اما ممکن است گاهی به خانه‌تکانی آموخته‌ها و سس‌مانده‌های دقیق‌تر اندوخته‌هایمان نیازمند باشیم؛ به‌ویژه آنکه این کتاب تقریباً گلچینی از آخرین دستاوردهای بسیاری از رمان‌نویسان درباره جنبه‌های مختلف نوشتن رمان را فراهم آورده است.

در پایان، بر خود واجب می‌دانم از آقای محمد حسنی و همه دوستان عزیزم در بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان، آقایان کامران پارسی‌نژاد، احسان عباسلو، و پرویز شیشه‌گران، که در ترغیب من برای نگارش این کتاب از هیچ یاری‌ای دریغ نکردند، صمیمانه تشکر کنم.

محسن سلیمانی

خرداد ۱۳۹۳

رمان نویسی در وقت اضافه

(جلد دوم)

محسن سلیمانی



۱۳۹۷

فهرست مطالب

- فصل بیستم: هر سوژه چند طرح داستانی دارد؟ ۵۴۷
- اجزای متفاوت، طرح‌های متفاوت ۵۴۸
- تبدیل سوژه یک اثر به طرح‌های جدید داستانی ۵۴۸
- تغییر اجزای سوژه، طرح را متفاوت می‌کند ۵۵۵
- فصل بیست و یکم: پیچیده کردن خط طرح رمان ۵۶۴
- سوژه تک‌خطی و چندخطی و مسئله ساختار رمان‌ها ۵۶۴
- هر خط طرح داستانی شروع، میانه و پایانی دارد ۵۷۳
- خط‌های داستانی اصلی و فرعی چه وقت باید در رمان شروع شوند؟ ۵۷۵
- معمولاً هیچ رمانی تک‌خطی نیست ۵۷۶
- فواید خط‌های داستانی فرعی ۵۷۹
- چگونه به رمان‌ها خط‌های داستانی دیگر اضافه کنیم؟ ۵۸۱
- اضافه کردن خط‌های فرعی به خط اصلی سوژه ۵۸۵

هشدارهای ضروری درباره خط داستانی اصلی و خط‌های فرعی رمان... ۵۹۰

فصل بیست و دوم: تقسیمات رمان: بخش‌های اصلی ۵۹۳

خط اصلی طرح و سه بخش بزرگ شروع، میانه و پایان ۵۹۳

هر رمان سه بخش دارد ۵۹۴

بخش اول یا شروع ۵۹۵

بخش دوم یا میانه ۶۱۶

بخش سوم یا پایان ۶۳۴

فصل بیست و سوم: فصل‌ها و صحنه‌های رمان ۶۵۲

بخش، فصل و صحنه ۶۵۲

چگونه بخش‌های رمان را مشخص کنیم؟ ۶۵۳

فصل یا فاصله‌گذاری؟ ۶۵۴

با من بی فاصله صحبت کن: آیا اساساً به فصل‌بندی در رمان نیاز داریم؟ ۶۵۵

هرگز کیک را درسته قورت نده! ۶۵۵

هر فصل رمان چند صفحه است؟ ۶۵۷

هر رمان چند فصل دارد؟ ۶۶۰

کی و چگونه فصل‌بندی کنیم؟ ۶۶۱

فصل باید خوش استقبال و خوش بدرقه باشد ۶۶۴

اجزای هر فصل ۶۶۸

هر فصل چند صحنه دارد؟ ۶۶۹

صحنه چیست؟ ۶۷۰

چرا صحنه مهم است؟ ۶۷۱

چرا گاهی باید نشان دهیم و گاهی خلاصه کنیم؟.....	۶۷۵
چه اتفاقی را باید صحنه و چه اتفاقی را خلاصه کرد؟.....	۶۷۷
چیدمان صحنه‌ها: بگذار که احساس هوایی بخورد!.....	۶۸۰
صحنه یا دنباله: مسئله این است.....	۶۸۱
شروع، میانه و پایان صحنه.....	۶۸۹
طول هر صحنه چقدر باید باشد؟.....	۶۹۵
کارت‌نویسی برای صحنه.....	۶۹۶
مواظب صحنه‌های تکراری باشید.....	۶۹۹
صحنه‌های دوشخصیتی و صحنه‌های چندمنظوره.....	۶۹۹
فصل بیست و چهارم: بازیگران رمان (۱).....	۷۰۳
آیا شخصیت در رمان مهم است؟.....	۷۰۳
انواع شخصیت‌ها.....	۷۰۶
شخصیت‌های اصلی صاحب رمان ما هستند.....	۷۰۹
شخصیت‌های فرعی ساده‌اند.....	۷۰۹
شخصیت‌های کلیشه‌ای و ساده نباید شخصیت اصلی باشند.....	۷۱۰
چرا رمان‌نویس نمی‌تواند چندان به شخصیت‌های فرعی پردازد؟.....	۷۱۲
شخصیت‌های فرعی عصای دست نویسنده‌اند.....	۷۱۳
خلق شخصیت‌های ماندگار سخت، ولی شدنی است.....	۷۱۶
شخصیت‌های رمانمان را از کجا پیدا کنیم؟.....	۷۱۶
فصل بیست و پنجم: بازیگران رمان (۲).....	۷۴۰
چگونه شخصیت‌های رمانمان را بشناسیم؟.....	۷۵۶

فصل بیست و هشتم: بازیگران رمان (۳)..... ۷۷۱

چگونه شخصیت‌هایمان را خاص کنیم؟..... ۷۷۱

فصل بیست و هفتم: بازیگران رمان (۴)..... ۷۹۲

شخصیت‌های جالب، محبوب و ماندگار..... ۸۰۸

خلق شخصیت‌های بد..... ۸۱۹

خطرهای استفاده از شخصیت پلید به عنوان شخصیت اصلی..... ۸۲۴

فصل بیست و هشتم: بازیگران رمان (۵)..... ۸۳۰

تغییر شخصیت: آخر، چقدر عوض شده‌ای!..... ۸۳۰

تغییر شخصیت اصلی، رمان را عمیق‌تر می‌کند..... ۸۳۳

هسته و لایه‌های شخصیت و مسئله تغییر..... ۸۳۶

رسم تغییرات شخصیت..... ۸۴۴

فصل بیست و نهم: رمان را چه کسی تعریف کند؟ (۱)..... ۸۴۷

چرا راوی مهم است؟..... ۸۴۷

سه راوی اصلی بیشتر نداریم..... ۸۴۹

«او»: زاویه دیدی که شخصی نیست..... ۸۵۰

دانای کل: راوی غول‌پیکری با چند «او»ی کوچک..... ۸۵۰

گفتن داستان با صدای «او»: زاویه دید سوم شخص مفرد یا محدود..... ۸۶۶

زاویه دید سینمایی یا عینی: دورترین زاویه دید..... ۸۷۰

فصل سی‌ام: رمان را چه کسی تعریف کند؟ (۲)..... ۸۷۴

۸۷۴.....راوی‌های صمیمی: «من» راوی

۹۰۳.....«من» راوی چگونه خودش را توصیف کند؟

۹۰۹.....فصل سی و یکم: رمان را چه کسی تعریف کند؟ (۳)

۹۰۹.....وقتی راوی خود «تو» هستی

۹۱۳.....دارویی ترکیبی برای زاویه دید

۹۱۴.....مشکل بزرگ ترکیب چند راوی همگون

۹۱۵.....چگونه از زاویه دیدهای همگون و ناهمگون در رمان استفاده کنیم؟

۹۱۷.....خطرا! جاده زاویه دید لغزنده است!

۹۲۰.....چگونه زاویه دید رمان را انتخاب کنیم؟

۹۲۵.....بگویید قالب رمان شما چیست تا بگویم زاویه دید شما چیست

۹۲۹.....چه چیزهایی بر نوع روایت راوی تأثیر می‌گذارد؟

۹۳۰.....خاص کردن راوی

۹۳۳.....شما اکنون در چه سطحی از زاویه دید هستید؟

۹۳۹.....فصل سی و دوم: گفت و گو: شخصیت‌ها چگونه حرف بزنند؟

۹۳۹.....حرف بی حرف!

۹۴۲.....اصلاً گفت و گو به چه درد می‌خورد؟

۹۶۵.....فصل سی و سوم: باید‌ها و نباید‌های گفت و گو

۹۶۵.....ابزارهایی که می‌توانید در هنگام گفت و گونی از آن‌ها استفاده کنید

۹۸۲.....گفت و گوهای بی‌اهمیت، گفت و گوهای مهم

۹۸۴.....گفت و گوها را این‌طور ننویسید!

داروهای تقویتی برای گفت‌وگونویسی ۹۹۶

ارزیابی گفت‌وگوهای که نوشته‌اید ۹۹۷

شکل گفت‌وگونویسی ۹۹۹

فصل سی و چهارم: توصیف ۱۰۰۵

توصیف یعنی چه؟ ۱۰۰۵

توصیف برای داستان شما چه می‌کند؟ ۱۰۰۸

توصیف عصای دست نویسنده است ۱۰۱۳

این گونه توصیف نکنید؛ این گونه توصیف بکنید ۱۰۲۵

فصل سی و پنجم: زبان و سبک ۱۰۳۳

رمان را با چه زبانی بنویسیم؟ ۱۰۳۳

دو نوع زبان داستانی: زبان علمی و زبان ادبی ۱۰۳۵

زبان‌های داستانی در رمان‌های فارسی ۱۰۳۹

افسون سبک ۱۰۴۳

پیدا کردن سبک رمان ۱۰۴۵

عناصر مهمی که سبک داستان را تغییر می‌دهند ۱۰۴۶

نویسندگان که سبک خود را حفظ می‌کنند ۱۰۴۹

وقتی سبک رمان با رمان همخوانی ندارد ۱۰۵۱

دوربینت را مخفی کن ۱۰۵۲

افسانه‌های سبک ۱۰۵۳

چگونه می‌توان سبک خود را شکل داد و بهتر کرد؟ ۱۰۶۰

هفت نصیحت وونه گات درباره سبک داستان‌نویسی ۱۰۶۵

- حداقل گرایی یا حداکثر گرایی..... ۱۰۶۵
- احساساتی نویسی: تهدیدی که می توان آن را به فرصت تبدیل کرد. ۱۰۶۷
- آخرین سخن درباره سبک..... ۱۰۶۹
- فصل سی و هشتم: خرده ریزهای رمان نویسی: مضمون و نام گذاری رمان.. ۱۰۷۰
- مضمون یعنی چه؟..... ۱۰۷۰
- چرا مضمون مهم است؟..... ۱۰۷۱
- چگونه به مضمون رمان خود برسیم؟..... ۱۰۷۳
- چگونه برخی از رمان نویسان مضمون خود را می گویند؟..... ۱۰۷۶
- موضوعاتی برای مضامین رمان ها..... ۱۰۸۴
- همه رمان ها فقط یک مضمون ندارند..... ۱۰۸۵
- نام گذاری رمان..... ۱۰۸۵
- عشق بازی می کنم با نام او: چه موقع باید نام رمان را انتخاب کرد؟... ۱۰۸۶
- نام رمان ها از کجا می آیند؟..... ۱۰۸۸
- ویژگی های عناوین خوب..... ۱۰۸۹
- فصل سی و هفتم: نگارش رمان..... ۱۰۹۳
- هنگام نوشتن، اصلاح و بازنویسی بکنیم یا نکنیم؟..... ۱۰۹۳

بخش سوم: پس از نگارش

- فصل سی و هشتم: بازنویسی رمان..... ۱۱۰۵
- شیوه بازنویسی..... ۱۱۱۱
- برای آن هایی که خیلی ناامیدند..... ۱۱۱۸

- ۱۱۱۹..... هنگام بازنویسی چه باید کرد؟
- ۱۱۲۰..... در بازنویسی، باید دنبال واری و تصحیح چه چیزهایی باشید؟
- ۱۱۲۱..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی طرح و ساختار
- ۱۱۲۶..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی شخصیت
- ۱۱۲۹..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی زاویه دید
- ۱۱۳۱..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی گفت و گوها
- ۱۱۳۳..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی شرح وضعیت و توصیف‌ها
- ۱۱۳۵..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی مضمون رمان
- ۱۱۳۵..... سؤال‌های اساسی درباره‌ی زبان و سبک
- ۱۱۳۶..... شیوه‌ی ترکیبی
- ۱۱۳۷..... چه هنگام باید از بازنویسی دست کشید؟
- ۱۱۳۹..... پیوست
- ۱۱۳۹..... رمان‌های خواندنی ایران و جهان
- ۱۱۴۷..... واژه‌نامه
- ۱۱۶۵..... کتابنامه